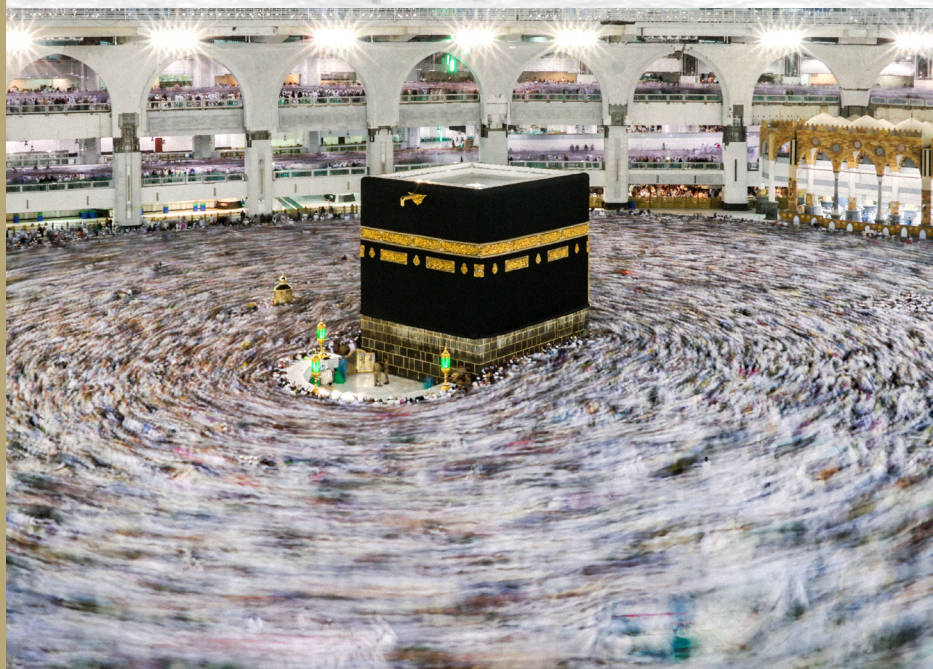




# ضيافت خلیل

ویژه نامه حج ۱۴۰۳-۱۴۴۵



سازمان آموزش عالی و پژوهش و وزارت

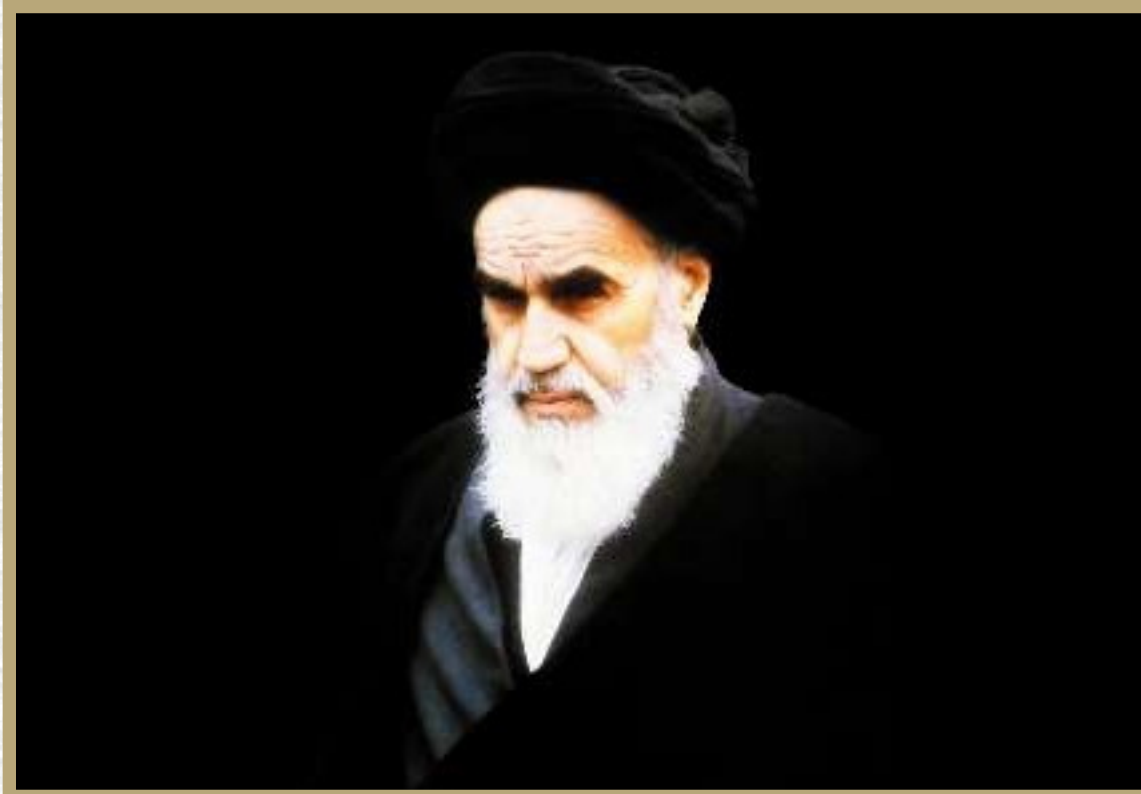
معاونت فرهنگی

مدیریت آموزشی و فرهنگی



## فهرست

- ۳..... فلسفه واقعی حج
- ۵..... دو جنبه فردی و اجتماعی حج
- ۷..... حج، ضیافت بزرگ الهی
- ۸..... کعبه محور اعمال
- ۱۰..... حج و غفلت زدایی
- ۱۱..... سرّ مختص حج
- ۱۲..... کعبه و ارکان آن
- ۱۴..... شب عرفه، شب فیض
- ۱۵..... عرفات محل تجلی امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى  
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ
- ۱۶..... در محضر بزرگان



## فلسفه واقعی حج

امام خمینی علیه السلام :

درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده اند؛ و حج با آنهمه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بیحاصل و بی ثمر باقی مانده است. یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند. چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یک عبادت دسته جمعی و یک سفر زیارتی-سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد! به

حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت‌های وابسته بشوراند. بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آنکه حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است. و حج تنها حرکات و اعمال و لفظ‌ها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام آور و ایجاد و بنای جامعه ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیا است. و مناسک حج مناسک زندگی است. و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیوند خورد و یکی گردد و یَدِ واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آیین سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج پسان قرآن است که همه از آن بهره مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرورفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت. (۶۷/۴/۲۹)



## دو جنبه فردی و اجتماعی حج

مقام معظم رهبری:

حج یک فریضه‌ی چندلایه و چندبُعدی و پُر‌مضمونی است؛ هم جنبه‌ی معنوی آن، هم جنبه‌ی مادی آن دارای ابعاد گوناگون است، لکن به نظر این حقیر دو نکته در حج جزو نکات برجسته‌ی حج است که یک نکته مربوط میشود به درون انسان، باطن انسان، روح انسان - که تولیدکننده‌ی علم و معرفت و عزم است - یک نکته هم مربوط میشود به زندگی اجتماعی.

آن نکته‌ای که مربوط به درون انسان و باطن انسان و تربیت انسان و پرورش عزم و اراده‌ی صحیح در انسان است، عبارت است از مسئله‌ی «ذکر». در حج، ذکر یک عنصر بسیار مهمی است. شما نگاه کنید از اوّل تا آخر حج، از احرام و مقدمات احرام تا انجام عمره، بعد احرام حج، بعد وقوف و بقیّه‌ی اعمال حج، سر تا پا متضمّن ذکر و یاد خدا است. لذا در قرآن کریم در موارد متعدّدی در همین زمینه‌ی حج، امر به ذکر شده است؛ همین آیاتی که تلاوت کردند، و از جمله‌ی این آیات: «فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ»، «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ»، «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ»، «فَاذْكُرُوا

اسمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ»؛ همه‌اش ذکر؛ سر تا پا؛ چه در طواف، چه در سعی، چه در نماز طواف، چه در وقوف عرفات، چه در مشعر، چه در اعمال منی. سر تا پای حج ذکر است، توجّه به خدا است. این ذکر، منشأ زندگی است؛ مهمّش این است. وقتی ما یاد خدا در دلمان بود و خشیت الهی بر اثر یاد خدا بر دل ما سایه افکند، این در حرکت زندگی ما، در اراده‌ی ما، در عزم ما، در تصمیم‌گیری‌های بزرگ ما اثر خواهد گذاشت. ملّتی که احتیاج دارد به کارهای اساسی و بزرگ، آحادش باید با ذکر خدا مأنوس باشند...

اما آنچه مربوط به محیط اجتماعی است، مسئله‌ی «وحدت» است، مسئله‌ی یکپارچگی است، مسئله‌ی یکی دیدن است، مسئله‌ی ارتباط با آحاد مسلمان است؛ این مسئله‌ی خیلی مهمّی است در حج. مکرّر ما عرض کرده‌ایم که خدای متعال به وسیله‌ی حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام نه فقط یک عده‌ی خاصّی را، آحاد مردم را [به حج دعوت کرد]: **وَ اَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ**؛ [می‌فرماید] ناس را، همه‌ی مردم را، همه‌ی آحاد بشر را دعوت کن برای حج. دعوت الهی همه‌ی آحاد مردم در یک چند روز معیّن، در یک جای مشخص، هر سال، معنایش چیست؟ معنایش این است که اراده‌ی الهی - اراده‌ی تشریعی الهی - بر این قرار گرفته است که آحاد مسلمان‌ها به هم نزدیک بشوند، همدیگر را بشناسند، با هم همفکری کنند، با هم تصمیم بگیرند؛ خلأ بزرگِ امروز ما این است: «(با هم تصمیم بگیرند)». یک جا جمع بشوند که این جمع شدن یک خروجی مطلوبی برای عالم اسلام داشته باشد، بلکه برای بشریت داشته باشد؛ ما دنبال این هستیم. البتّه مقدمه‌اش تفاهم است، از ملّیت‌ها عبور کردن، از تفرّق‌های مذهبی و فرقه‌ای عبور کردن. مذاهب مختلفی در اسلام هستند که اینها در کنار هم، همه یک جور، همه با یک لباس، همه با یک حرکت، همه در یک نقطه [در حج گرد می‌آیند]؛ این اجتماع الهی است، این اجتماع اسلامی است، این، آن جنبه‌ی بارز و روشن سیاسی حج است. این دو نکته در حج وجود دارد: هم نکته‌ی «ذکر»، هم نکته‌ی «اتّحاد و وحدت اسلامی». حالا البتّه در قرآن، در کلمات رسول مکرّم اسلام و بزرگان اسلام مسئله‌ی عدم تفرّق، مخصوص حج نیست: **«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا»** و آیات متعدّد قرآن، از تفرّق و دشمنی با یکدیگر و مانند این‌ها نهی می‌کند مسلمان‌ها را.

بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۴۰۳/۰۲/۱۷



## حج، ضیافت بزرگ الهی

حج، بریدن از خلق و رویکردی به سوی حق است؛ سفر از خلق به حق و دور شدن از غیر خدا، انسان با رفتن به حج مزه‌ای از ملکوت می‌چشد. او خموشی است که به بارگاه نور بهجت و سرور راه یافته است، حج‌گزار بسوی خدا فرار می‌کند. سلوک حج منازل و مقاماتی دارد که دیدار حق، اوج آن است؛ حج راه رستگاری و فوز عظیم است.

هر عبادتی مخصوص کاری است، اما حج تنها عبادتی است که تمام عبادتها را در برمی‌گیرد. در حج نماز، استغفار و زهد معنا می‌شود. فلسفه اشک در حج نمودار می‌گردد. راز و نیاز با خدا، نجوا و همنشینی با او در کنار خانه‌اش به اوج می‌رسد. زائر چون ستاره‌ای درخشان در آسمان تاریکی‌ها می‌درخشد و نامش در دفتر خدا ثبت می‌شود. انسانی که به حج می‌رود، میهمان خداست و خدا از او میزبانی می‌کند... در استقبال از این سفره و مائده معنوی مطالبی تقدیم می‌گردد.



## کعبه محور اعمال

اگر در نقشه چیزی دقت کنیم، می‌توانیم دریابیم که این نقشه، برای چه اهدافی ترسیم شده است؛ آیا برای ساخت يك خانه مسکونی است؟ یا برای مدرسه، مسجد، کارخانه و...؟! باید در نقشه و طرح اعمال حج مطالعه کرد تا کلیت این طراحی دریافت گردد. پس از دریافت کلیات، جزئیات نیز در پرتو آن مشخص خواهد شد. درحقیقت سیری است از کل به جزء و از مجموع به اجزای آن. حج و عمره دارای يك مرکزیت است که همه اعمال، همچون شعاع‌هایی به آن ختم می‌شوند و یا از آن آغاز می‌گردند. خانه مقدس کعبه، محور و مرکزیت این اعمال است؛ از این رو بایستی این مرکزیت را مورد بررسی قرار داد تا در پرتو آن شعاع‌ها نیز تعریف شوند. مشخصه‌های کعبه در قرآن عبارت است از:

۱. اولین خانه و عبد برای مردم: **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ؛** بنابراین هیچ



معبدی برکعبه تقدم ندارد. این خانه به همه مردم تعلق دارد و هیچ گروه، ملت، نژاد و یا طبقه‌ای نسبت به آن اولویت ندارد.

۲. مبارك بودن (یعنی، دارای خیر و برکت فراوان است) **لِلَّذِي بِبَكَّةٍ مُّبَارَكًا.**

۳. منسوب به خدا بودن: **طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ**؛ گرچه همه چیز این عالم از آن خدا است **لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**، ولی این خانه تعلق و اختصاص ویژه به خداوند دارد.

۴. عتیق بودن: **وَ لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ**؛ این خانه در ملك کسی نیست، از هر قیدی آزاد است.

۵. موجب قیام و قوام بودن: **جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ**؛ یعنی، خداوند کعبه را موجب برپایی مردم قرار داده است.

۶. هدایت گر بودن برای همه جهانیان: **لِلَّذِي بِبَكَّةٍ مُّبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ.** مضمون آیه این است که: کعبه موجب هدایت برای همه جهانیان است؛ یعنی، پیام کعبه محدود به حاضران در مکه و یا مسلمانان نیست؛ بلکه پیام آن جهانی و گسترده است.

۷. امنیت کعبه و مکه: **وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ**؛ یعنی، یاد کن زمانی را که خانه کعبه را محل رجوع و امنیت قرار دادیم.

در پی دعای حضرت ابراهیم **وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا**؛ خداوند این سرزمین را محل امن برای گرد همایی مسلمانان و نمایندگان طبیعی آنان قرار داده است **وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا.**

در بین ویژگی‌ها و اوصاف کعبه، آنچه بیش از همه بر آن تاکید شده موضوع امنیت است. اوصافی همانند عتیق، مثابه، مبارك و قیام يك بار مطرح شده؛ ولی امنیت حداقل هفت بار مطرح گشته است و این نشانگر برجستگی و نقش این ویژگی در بین دیگر خصوصیات است.

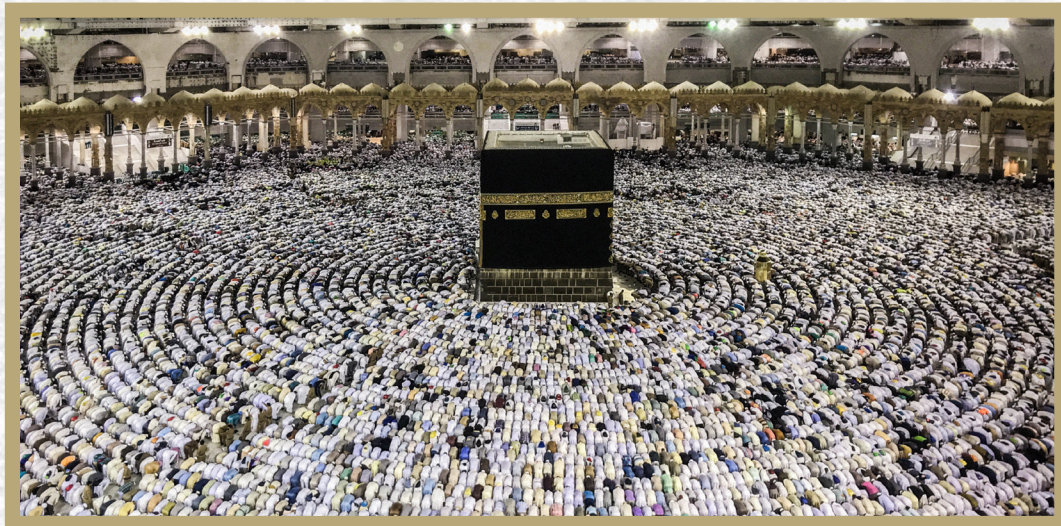


## حج و غفلت زدایی

خودشناسی مقدمه خداشناسی است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». از جمله ویژگی‌های حج، فراهم ساختن زمینه برای خودشناسی است. انسان در زندگی خود نوعاً اسیر روزمرگی شده و به آنچه در اطراف او می‌گذرد. عادت می‌کنند؛ از همین رو از حقایق و واقعیات دیگر حیات خود غافل می‌شود. گسستن او از شرایط عادی و روزمره زندگی، این موقعیت را برای انسان فراهم می‌سازد تا در خود و پیرامون خود، ملاحظه‌ای داشته باشد و از غفلت خارج شود. مگر نه این است که: **وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً**<sup>(۱)</sup> و مگر نه آن است که: **أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ**.<sup>(۲)</sup> «حج» دل‌کندن از وابستگی‌های معمول و وارد شدن به فضای دیگر است تا در آن شرایط، آدمی خود را بیابد و آن‌گاه به خدا برسد. مناسک حج از احرام تا تقصیر و از عرفات تا جمرات، مرحله به مرحله بت‌های درون و بیرون را فرو می‌ریزد و قید تعلقات را می‌شکند تا او به زیارت نایل آید.

(۱). بقره (۲)، آیه ۱۶۵.

(۲). تکوین (۱۲)، آیه ۲.

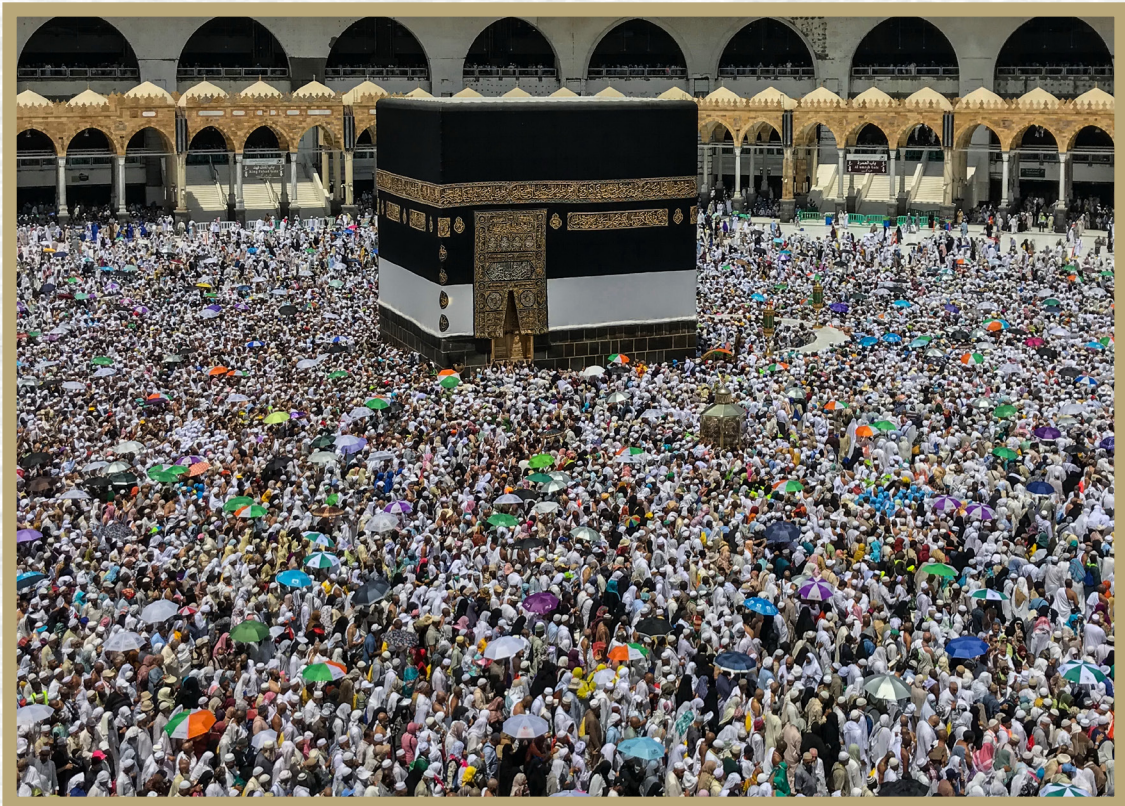


## سرّ مختص حج

حج به صورت کلی دارای سرّی است که آن را مختص حج می‌دانند و آن عبارت است از «فرار به سوی خدا»، قرآن کریم می‌فرماید: **((فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ))**؛ «از غیر خدا به سوی خدا بگریزید». حج، سیری درونی است که انسان هر چه را غیر خداست، ترک کرده و تنها او را طلب می‌کند.

تعبیر فرار، معنای لطیفی دارد. معمولاً فرار در جایی گفته می‌شود که انسان از یک سو با موجود یا حادثه وحشتناکی روبرو شده و از سوی دیگر پناهگاهی در جایی سراغ دارد، لذا با سرعت تمام از بید حادثه دور می‌شود و به نقطه امن روی می‌آورد. حاجی و عمره‌گذار نیز از تمام زشتی‌ها، غفلت‌ها و مظاهر دنیوی و شیطانی می‌گریزد و به آغوش رحمت الهی متوجه می‌گردد و مهمان او می‌شود. به عبارت دیگر حاجی باید سیرش به سوی خدا باشد و سیر به سوی خدا یعنی پشت پا زدن به هر چه غیر اوست و این از همان تهیه مقدمات حج آغاز می‌شود تا پایان حج ادامه می‌یابد.

کسی که در شهر خود می‌خواهد لباس احرام فراهم کند باید مال خود را تطهیر کند، وصیت نامه‌اش را تنظیم نماید و از بستگان حلالیت بطلبد. یعنی از همان قدم اول باید همه اینها با عنوان فرار به سوی خدا انجام پذیرد. پس اگر کسی به زاد و توشه خود اعتماد کند، امید به کسی یا چیزی غیر از خدا داشته باشد و تکیه‌گاهش غیر خدا باشد، او به سوی خدا فرار نکرده بلکه از خدا فرار کرده و دور شده است. عبارت دیگر، اگر کسی بخواهد برای شهرت یا تجارت یا هر مقصد دیگر دنیایی حج انجام دهد از خدا فرار کرده نه به سوی خدا.



## کعبه و ارکان آن

خانه کعبه را خداوند بیت الحرام، خانه خود و بیت عتیق نامیده است. کعبه ارکانی دارد که عبارتند از: رکن حجرالاسود، ملتزم (زیر در خانه خدا) مقام ابراهیم، حطیم، رکن عراقی، حجر اسماعیل، ناودان طلا، رکن شامی، مستجار (محل شکافته شدن دیوار خانه کعبه)، رکن یمانی، شاذوروان و درون خانه کعبه. خدای سبحان، کعبه معظم را به عنوان مرکزی جهانی و همگانی و ثابت و تغییرناپذیر قرار داد تا همه مسلمانان جهان در همه سالها، ماهها، هفتهها، روزها، ساعتها و... به مناسبت‌های مختلف در همه شئون زندگی خود با آن ارتباط برقرار کرده و در نمازها و راز و نیازها، و دَبْح و نَحْر حیوانها و نیز در تجهیز کارهای بیمار مُشرف به مرگ و بعد از مردن وی، با آن ارتباط برقرار کنند.<sup>(۱)</sup> از امام صادق علیه السلام پرسیده شد چرا به کعبه، کعبه گفته می‌شود؟ حضرت فرمود:



چون مکعب و چهارگوش ساخته شده است. راوی پرسید چرا به صورت مکعب و چهارگوش ساخته شده؟ امام فرمود: چون کعبه در زمین، محاذی و مقابل بیت‌المعمور (در آسمان چهارم) - مطاف فرشتگان - است و خداوند اراده کرده مطاف انسان‌های فرشته‌خو هم دارای چهارگوش باشد.

راوی پرسید: چرا بیت‌المعمور دارای چهارگوشه است؟ حضرت فرمود: چون بیت‌المعمور محاذی عرش الهی است و عرش خدا بر چهار اسم شریف «سبحان الله»، «والحمد لله»، «ولا اله الا الله»، «والله اكبر» مبتنی است. یعنی قدرت الهی از عرش و آسمان به زمین توسط این چهار اسم می‌رسد و کارها تدبیر می‌شود.<sup>(۲)</sup>

همه اسمای حسناى الهی و نیز عقاید صحیح به این چهار کلمه تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر بازمی‌گردد. روشن است که محاذات کعبه با بیت‌المعمور که محاذی عرش است از سنخ تطابق عوالم مُلک و ملکوت و جبروت است نه تقابل جغرافیایی، مفاد کلام بلند و نورانی امام صادق علیه السلام این است که تسبیحات اربعه که نظام هستی بر آنها مبتنی است، سبب تحقق عرش است و آن مایه تحقق بیت‌المعمور است که چهار ضلع دارد و بالاخره بیت‌المعمور عامل تحقق موجودی در عالم طبیعت است به نام کعبه که چهار دیوار دارد. یعنی آنچه در عالم طبیعت (مُلک) است، الگویی از عالم مثال (ملکوت) است و عالم مثال، خود الگویی از عالم مجردات (جبروت) است.<sup>(۳)</sup>

و این‌گونه است که اگر زائری چنین معانی و معارف بلند را درک کند روحش اوج و تعالی یافته و هدف از طواف کعبه را همراهی با فرشتگان طواف‌کننده عرش می‌یابد و در واقع با سیر صعودی روحانی، عروج ملکوتی پیدا می‌کند و اینجاست که مراتب طواف‌کنندگان براساس معرفت‌شان بسیار متفاوت خواهد بود و بدیهی است که پاداش آن‌ها نیز یکسان نخواهد بود...

۱. صهبای حج، ص ۲۱۲.

۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۸.

۳. صهبای حج، ص ۱۸ - ۲۱۷.



## شب عرفه، شب فیض

یک شب ای خفته غفلت زده بیدار بیا  
 دم غنیمت بشمار امشب و بیدار بیا  
 خیز، ای عبد پشیمان و خطاکار بیا  
 دور از دیده مردم، به شب تار بیا  
 این منم، خالق بخشنده ستار بیا  
 دل به من بسته و بگسسته زاغیار بیا  
 منشین غافل و بی حاصل و بیکار بیا

خیز، ای بنده محروم و گنهگار بیا  
 بس شب و روز که در زیر لحد خواهی خفت  
 شب فیض است و در توبه و رحمت باز است  
 پرده شب که بود آیت ستاری من  
 این تویی، بنده آلوده و شرمنده من  
 مگشا دست نیازت به عطای دگران  
 فرصت از دست مده، می گذرد این لحظات



## عرفات محل تجلی امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ حکایت شده که فرمود: «يفقد الناس امامهم، يشهد الموسم فيراهم و لا يرونه»،<sup>(۱)</sup> «مردم به فراق امامشان گرفتار می شوند؛ او در مراسم حج حاضر می شود و آنان را می بیند، ولی مردم وی را نمی بینند». از محمد بن عثمان عمری - یکی از نواب خاص امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ نیز حکایت شده است: «والله ان صاحب هذا الامر ليحضر الموسم كل سنة، يري الناس و يعرفهم و يرونه و لا يعرفونه».<sup>(۲)</sup>

آری هنگامی که حضرت در مراسم حج حضور می یابد، و به طور طبیعی به اعمال حج مشغول شود، قطعاً در عرفات حضور می یابد؛ چرا که وقوف در عرفات واجب و از ارکان حج است. به گفته عارف گران قدر، فیض کاشانی:

یکی از طواف سرکوی ولی حق کردن  
به ز صد حجّ قبول به دیوان بردن  
ایستادن نفسی نزد مسیحا نفسی  
به ز صد سال نماز است به پایان بردن

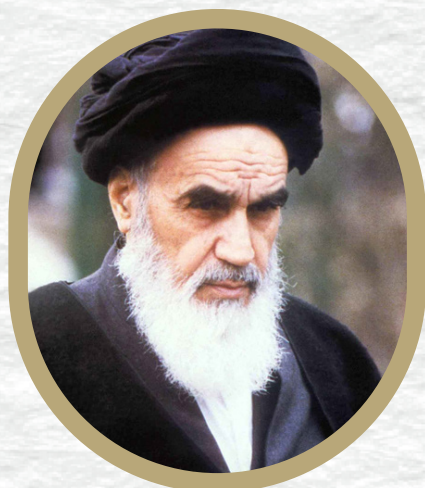
آیت الله جوادی در این مورد می نویسد: «وجود مبارك حضرت بقية الله، حجت بن الحسن عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ هر سال در مراسم حج و به ویژه در عرفات و منا حضور دارد ....

(۱). کافی، ج ۱، ص ۳۳۷ - ۳۳۸.

(۲). الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

## در محضر بزرگان

### امام خمینی رضوان الله علیه:



گمان مکن که رذایل نفسانی و اخلاق روحی ممکن الزوال نیست. این‌ها خیال خامی است که نفس امّاره و شیطان القا می‌کند، می‌خواهد تو را از سلوک راه آخرت و اصلاح نفس باز دارد. انسان تا در این دار تغیر و نشئه تبدّل است، ممکن است در تمام اوصاف و اخلاق تغییر پیدا کند. و هر چه ملکات محکم هم باشد تا در این عالم است قابل زوال است، منتها به حسب اختلاف شدت و ضعف، زحمت تصفیه تفاوت می‌کند.

چهل حدیث، امام خمینی، ص ۱۱۰.

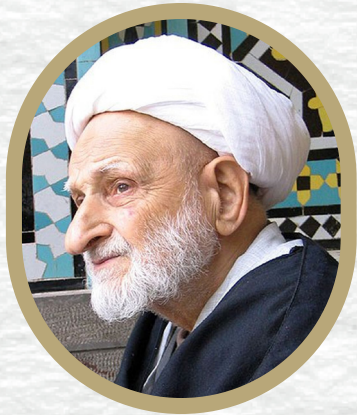
### علامه طباطبایی:

تخم همه سعادت‌ها مراقبت است، مراقبت یعنی کشیک نفس کشیدن، بچه آن قدر مراقبت نمی‌خواهد که نفس می‌خواهد، بچه را می‌دانید تا پدر و مادر از او غافل شوند از نردبان بالا می‌رود، به آتش دست می‌زند؛ همه این‌ها برای او ضرر دارد، باید کشیک این فرزند را بکشند که مبادا حادثه‌ای برایش رخ دهد، وضع و حال نفس از بچه شدیدتر است، و باید عقل بیشتر ناظر حال او باشد.

جرعه‌های جانبخش، غلامرضا گلی زواره، ص ۱۵۳.







## آیت الله بهجت:

هیچ ذکری بالاتر از ذکر عملی نیست.  
هیچ ذکر عملی، بالاتر از ترک معصیت در  
اعتقادیات و عملیات نیست.

به سوی محبوب، سید مهدی ساعی، ص ۴۰.

## آیت الله بهاء الدینی رحمة الله عليه:

اگر میخواهید موفق به درک و فهم کلمات  
انبیاء، کلمات کتاب خدا، کلمات نهج البلاغه،  
و کلمات صحیفه سجادیه شوید، باید مزگی  
شوید. اگر مزگی شدید درک میکنید آنچه را  
متکلم اراده کرده است... قرآن می گوید: **لَا يَمْشِيهِ**  
**إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ** مراد از مطهر، مطهر از پلیدیهاست.  
مطهر از رذایل نفسانی و شرک است. تا زمانی  
که انسان از این رذایل طهارت پیدا نکند و پاک  
نشود، با کتاب خدا آشنا نمیشود.

سیری در آفاق، حسین حیدری کاشانی، ص ۲۳۹.



## آیت الله جوادی آملی:

مسایل اخلاقی هرچه تکرار شود تازه است و تکراری  
نیست. چون وسوسه های شیطان تکراری است. باید  
موعظه تکرار شود. اگر روزی ۱۰۰ مرتبه بگوییم به  
نامحرم نگاه نکنید اشتباه نیست. چون ده مرتبه یا  
بیشتر شیطان وسوسه میکند که نگاه کن.

دروس تفسیر سوره یونس، آیت الله جوادی آملی.

